



# رساله‌ای

از

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله

از :

سرهنک عبدالحسین بهرامی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

میرزا ملکم‌خان ناظم الدوله از رجال و متفکران دوره قاجاریه است که بانگاشتن رسالات و نامه‌هایی بسیار و انتشار روزنامه‌ای به نام «قانون» کمک مؤثری به بیداری و روشن ساختن افکار عمومی مردم ایران نموده است و به حق او را از پیشگامان نهضت آزادی خواهی ایران که منجر به وجود آمدن حکومت مشروطه در ایران شد، باید دانست. ولی با آنکه چندین کتاب و رساله و مقاله درباره جنبه‌های گوناگون زندگانی او نوشته شده، متأسفانه هنوز اقدامی اساسی برای جمع‌آوری کلیه آثار وی و تدوین یک مجموعه تحقیقی و انتقادی از نوشته‌های او به عمل نیامده است. فقط، تاجائی که می‌دانیم، نخست مجموعه‌ای شامل ۱۰ رساله از میرزا ملکم‌خان به صورتی مغلوط و ناقص توسط شخصی به نام هاشم آقا ربیع‌زاده در آغاز مشروطیت و در حیات میرزا ملکم‌خان به چاپ رسیده و آن مجموعه که باردیگر هم در تبریز

تجدید چاپ شده ظاهراً مورد اعتراض میرزا ملکم خان قرار گرفته بود. مجموعه دوم، مجموعه ایست شامل ۱۰ رساله که سه رساله آن در مجموعه ربیعزاده هست و بالاخره مجموعه بهتری که آن هم خالی از غلط و افتادگی نیست توسط دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی به عنوان جلدیکم «مجموعه آثار میرزا ملکم خان» در سال ۱۳۲۷ در تهران چاپ شده و این مجموعه متضمن ۱۲ رساله است که سه رساله آن در چاپهای پیشتر نیز منتشر شده و ۹ رساله تازه در آن می باشد. ۱

بدین ترتیب تاکنون ۲۶ رساله از رسالات میرزا ملکم خان به چاپ رسیده است ولی این تعداد شامل کلیه آثار و نوشته های او نیست. زیرا تا جایی که آگاهی داریم در حدود ۱۷ رساله دیگر از میرزا ملکم خان به صورت خطی و چاپ نشده باقیست<sup>۲</sup> و شاید هم رسالات دیگری از او باشد که از آنها خبر نداریم.

بمهر حال مجله بررسی های تاریخی در نظر دارد هرگاه به هر یک از این آثار گمشده و ناشناخته ملکم خان دست یابد، برای تکمیل مدارک و قایع تاریخ معاصر ایران آنرا منتشر

۱- چهار رساله از رسالات ملکم خان نیز، هر یک جداگانه در لندن در زمان خود او به چاپ رسیده که در سه مجموعه چاپی آثار او نیز موجود است.

۲- رجوع کنید به کتاب محیط طباطبائی ص ۸ و زیر نویسهای کتاب میرزا ملکم خان ناظم الدوله تألیف خانم دکتر فرشته نورانی.

نماید . و براساس این نظر و بنا به خواهش ما ،  
سرکار سرهنگک بهرامی رساله چاپ نشده‌ای را  
که در مجموعه‌ای خطی متعلق به خود داشته  
برای درج در مجله در اختیار ما گذاشتند و اینک  
آن رساله جامع‌المتع را با سپاسگزاری فراوان  
از ایشان ، در این شماره از نظر خوانندگان  
گرامی مجله می‌گذرانیم . بعلاوه ، چنانکه  
اطلاع یافته‌ایم دانشمند محترم آقای دکتر  
فریدون آدمیت نیز مجموعه کاملی از رسائل  
خطی ملک‌خان همکار مرحوم عباسقلی خان  
آدمیت که از نزدیکان میرزا ملکم خان بود در  
اختیار دارند و امیدواریم ایشان نیز در این  
اندیشه با ما مساعدت نموده رسالاتی را که  
هنوز به چاپ نرسیده و در مجموعه ایشان موجود  
است برای درج در مجله بررسی های تاریخی  
در اختیار ما بگذارند .

برسای ای آیرنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## رساله‌ای

از

# میرزا ملکم خان ناظم الدوله

بسم الله خيرالله سماء

پولطیک ایران چیست کشتی دولت کجا می‌رود در این دریای حوادث از برای ما خطری هست یا نیست اگر هست تدارک ما چیست طرح ما کدامست دشمن ما کیست دوست ما کجاست از چه راه باید رفت و از چه ورطه باید گرینخت در چه کار هستیم چه باید کرده‌نوز در ایران هیچیک از بزرگان مانه این سئوال‌ات تصریح کرده و نه حل این مسائل را بصیرت کافی داشته است کشتی دولت بدون طرح بدون نقشه بدون تعیین مقصود در دریای پولطیک حیران و سرگردان بوده است گاهی بیجهت در مقابل بادهای مخالف جنبیده هم گاهی بی سبب راه رفته را برگشته ایم گاهی بتضییع دوست کوشیده ایم گاهی بتقویت دشمن برخاسته ایم و پس از صدمات و خبطهای بیشمار اختیار کشتی را بامواج اطراف گذاشته هنوز هم نمیدانیم صلاح ما چیست و مقصد ما کجا است حال کشتی دولت در این دریای پرخطر بتحریک بادهای مخالف در قرب دشمنان بیبک بر اطراف ورطه‌های هایل بی اختیار دور می‌زند و اهل کشتی در آسودگی و غفلت مقدمات طوفان را نسیم شرطه و سعادت پس پندارند «چیزیکه فی الجمله مایه

امید نجات شده این است که خداوند عالم ناخدای ما را بر حالت کشتی ملتفت ساخته است از فراست دقیق و از قدرت همت این ناخدای جوان بخت چنان معلوم میشود که پروردگار رحیم این کشتی و ازگون بخت را بکلی مردود نظر ترحم نساخته است چون این ناخدای نجات بخش بجهت تعیین مقصد و ترتیب حرکات کشتی نقشه‌های متعدد لازم دارد لهذا بنده نیز هرچند از مسافرین اقطار این دریا بوده‌ام نقشه اطراف و طرح مسیر سیاحان را برچند اوراق بی ترتیب کشیده‌ام اگر هم فایده این نقشه پولطیک منحصر باین باشد که نقطه مایه صلاح حرکت کشتی بشود نتیجه مزبور برای صاحب کشتی یکنوع غنیمت و برای صاحب نقشه چه قسم تفاخر خواهد بود.

در تحقیق عالم پولطیک اول نکته که موجب تأمل ما میشود این است که میبینیم يك جزیره كوچك كه در کنار بحر محیط مردود طبیعت و خارج از ربع مسکون بنظر می آید اعظم ممالک آسیا را مسخر ساخته باعجاز تدبیر و بیازوی جلادت تمام کره زمین را در حلقه استیلای خود احاطه دارد از بنادر ژاپون تا بجنگلهای ینکی دنیا و از بحرین منجمد تا بصحرای افریقا نقطه نمی بینم که از هیبت اسم انگلیس در لرزش نباشد در مقابل استیلای این طایفه حیرت انگیز می بینم يك طایفه دیگر بتحریر يك اراده قادر از جنگلهای وحشی خود علی الغفله یا بعرصه دول نهاده با استعداد مهیب و با طرح وسیع از سمت شمال بقصد انهدام قدرت انگلیس و بعزم تسخیر سلطنت عالم رو بممالک هند سرازیر شده است عظمت این دو قدرت کره زمین را بنوعی فرا گرفته که هر يك در حوادث این عهد را بشکافم می بینم یا تدارک دفاع دیگری تسخیر گرجستان، جنگ چین، انقلابات افغان، تصرف سند، جنگهای سواحل طونه، هنگامه سواستاپول، حمله محمره جمیماً مظهر قصد و نتایج طرح هجوم این دو قدرت مخالف بوده است از



هر گوشه عالم هر سمت زمین را که ملاحظه نمائیم هیچ چیز نخواهیم دید مگر هیبت و تلاطم این دو سیل قدرت انسانی که روی همدیگر حمله دارند از مشاهده این اوضاع نکته‌که مایه وحشت و موجب تعجب می‌بنیم این است که این دو سیل بزرگ و هایل پس از انعدام ممالک بی‌حصر و پس از خرابیهای مملکت‌های وسیع از دو سمت مقابل داخل خاک ایران شده نزدیک است که تمام ممالک ما را فرو بگیرند و با وصف مهابت این خطر عظیم اولیای دولت ماهنوز از قرب هجوم این دو سیل هیچ نوع اطلاع صریح ندارند و اگر هم بر حسب اتفاق بعضی اخبار را افواهی شنیده اخبار مزبور بعدی مبهم و تاریک و بعید از خیالات ایشان بوده که تحقیق این مسئله را اصلاً قابل اعتنای خود نشمرده‌اند ولی حتی احتمال صدق آن درباره ایران از اعظم<sup>۱</sup> با بینهایت ذلت و از بقای مدامی تا بانهدام فوری جمیع احتمالات دول را لازم دارد لهذا تحقیق این مسئله در هر صورت خالی از فایده نخواهد بود هر گاه هجوم سیل دولتین فرض بی‌معنی است دولت ایران آسوده است و اگر قرب این حادثه حقیقت دارد پس هر بی‌قیدی گذشته را حاصل حماقت بشماریم و بلا درنگ بمقام کشف احتمالات این حادثه بر آئیم. عقلای ایران میگویند فردا را کسی ندیده است و بواسطه این اعتقاد غفلت آور تحقیق اوضاع آینده را خارج از دایره تکلیف دولت می‌شمارند و حال اینکه با اعتقاد حکمای فرنگ حکمرانی یعنی تحقیق اوضاع آینده در ایران بجهت تحقیق اوضاع آینده بجز عقل بی‌ترتیب اسباب دیگر نداریم ولیکن فرنگیها در این باب علاوه بر عقل کافی یک علم وسیعی ترتیب داده‌اند که بواسطه آن علم کلیات حوادث آینده را مشخص مینماید حکمت و وسعت دول فرنگ از توسیع علم مزبور و غفلت دولت ایران از عدم علم مزبور است هر گاه وزرای ما از این علم فی‌الجمله اطلاع میداشتند بالطبع بر

(۱) در اینجا در اصل نسخه کلماتی چند ساقط شده .

### روش تالیف مدرسه لایه لایه

مصایب آینده ایران اشک خونین میریختند . در باب این علم دو کلمه لازم داریم در ایام گذشته طوایف و دول بزرگ بوده اند حال که تاریخ ایشان را می شکافیم می بینیم هر یک از دول بزرگ مثل وجود واحد عمر مخصوصی داشته و کل ایشان در ترقی و تنزل خود مثل عمر انسانی عوالم طفولیت و جوانی و پیری طی کرده اند علاوه بر عمر مخصوص می بینیم دول بزرگ بر روی زمین یک کار معین و یک مأموریت داشته اند و از بدو ظهور خود بحکم همان قانون مخفی بی اختیار رو بمقصد مخصوص خود پیش رفته اند و بعد بحکم همان قانون مخفی بتدریج تنزل کرده از روی زمین محو شده اند ملل فرنگ در تحقیق عمر دول عوالم وسیع طی کرده اند و چنانکه اطباء فرنگ دقایق روش عمر انسانی را مشخص کرده اند حکمای ایشان نیز اصول مبرهن ساخته اند که فلان دولت بچه سبب ظهور کرده و بچه قوه زنده بود مقصود فلان قدرت چه بود و عمر فلان شوکت بکجا منتهی شد . دول حالیه نیز بلا تخلف کلا مطیع قواعد ترقی و تنزل دول گذشته میباشند و چنانکه اولیای علم طب بواسطه تشریح اموات حالت و امراض زنده ها را مشخص میکنند اولیای علم دول نیز بواسطه تحقیقات اوضاع گذشته درجات عمر و موجبات سر نوشت طوایف را معین و محسوس میسازند و از روی علم قطعی حکم میکنند که باعث بقای فلان دولت چیست عمر فلان دولت بکجا رسیده و عاقبت فلان دولت چه خواهد بود در نظر ارباب این علم درجات عمر روسیه و انگلیس بقسمی مشخص است و در مقتضیات باقی عمر ایشان هیچ تشکیکی ندارند و از روی بصیرت علمی میدانند که این دو سیل مخالف موافق طرح طبیعت حکماً پیش خواهند رفت و حکمادر وسط آسیا باهم تصادف خواهند کرد این حادثه عظمی را جمیع وزرا دیده اند و جمیع این وزرا ظهور حادثه را از مقتضیات تقدیر الهی شمرده اند یکی از مدققین اوضاع میگوید وضع طبیعی و لوازم ملی و حرص جهانگیری

و تقدیر آسمانی دولت روس را حکماً بسمت هند میکشاند نکته ذیل را پطرکبیر بخلفای خود وصیت کرده است باید دولت روس را در جنگ دائمی نگاهداشت و این نکته را همیشه در نظر داشت که تجارت هند تجارت دنیا است هرکس این تجارت را بتصرف بیاورد مالک مطلق کل فرنگست یکی از علمای مشهور فرانسه که مدتها در خدمت دولت انگلیس مشغول تحقیق اوضاع بوده در این باب کتاب بسیار مشهوری نوشته است میگوید حواس روس از وقت پطرکبیر تا امروز دقیقه از خیال هند خارج نبوده است و ممکن نیست که از این خیال صرف نظر بکند تسخیر هند نه تنها حق روس است بلکه اجرای این مقصود بر ذمه آن دولت لازم است زیرا که این تکلیف ذمی لازمه وضع طبیعی ملک روس است یک مورخ معروف میگوید اقتضای طبیعی دولت روس را بحکم تقدیر کشان کشان رو بممالک آسیا میبرد و نیز در جای دیگر میگوید نکته که تحقیق آن بر ما لازمست این است که با وصف حوادث فرنگ دولت روس در سمت آسیا متصل پیش رفته است و از این راهی که در آسیا طی کرده است موافق قاعده هندسه میتوان حکم کرد که عنقریب بمقصد خواهد رسید یکی از اصحاب پولطیک انگلیس میگوید آن دولتی که امروز در صدد این است که عالم را زیر و رو کند دولت روس است آن دولتی که میخواهد دول روی زمین را منهدم بکند دولت روس است در دشت تاتارستان در مشرق و مغرب دریای حضر در شمال و جنوب دریای سیاه همه جا دولت روس را مدعی بی باک و خوش بخت خود می بینم یکی از سفرای روس میگوید گرفتن خیوه برای ما ناگزیر است هرگاه خیوه را بگیریم ایلات وسط آسیا کلامطیع اعتبار و منقاد قدرت ما میشوند و بواسطه افتتاح راه تجارت هند و روس تمام اموال آسیا مثل سیل بخاک روس جاری خواهد شد و طرح پطرکبیر موافق دلخواه معمول خواهد گشت خلاصه هرگاه خیوه را بگیریم ارکان

تجارت انگلیس را که مایه استیلاي بحری آن دولت شده بتزلزل خواهیم آورد يك حکيم فرانسه میگوید هند بلاشك در خطر است وليکن دولت انگلیس نمیتواند خطرات هند را در پنجاب در دهلی رفع کند این خطرات بزرگ که بر سر هند جمع شده اند هرگاه چاره پذیر باشند چاره را باید در پترزبورگ و در مسکو کرده در هند يك حکيم ديگر میگوید دولت روس تا امروز دولت عسکریه بوده است و بعد از این هم چنین خواهد بود دولت روس همیشه جنگ را لازم دارد و اگر دولت انگلیس بهانه بدست بدهد دولت روس تمام آسیا را بتزلزل خواهد آورد یکی از سفرای مشهور انگلیس میگوید ای انگلیسها ببینید دولت روس روز بروز چه طور نزدیک میشود و چطور مثل امواج دریا شما را احاطه می کند دولت روس متصل پیش می آید بی آنکه در ظاهر حرکتی بکند و نزدیک است که بیفتد بر آن خزاین که هم فخر شما و هم بقای شما بسته بآنها است هرگاه بلاد رنگ بمقام تسدید راه روس بر نخیزند یقین بدانید که وقت استیلاي روس رسیده است. بیست سال قبل ازین فرمانفرمای هند بدولت خود رسماً نوشته است پس از این دلایل واضحه که بدست آوردیم هیچ جای تشکیك نیست که دولت روس در صد این است که راه رخنه و اسباب استیلاي خود را تا بسرحدا ت هند وسعت بدهد باز يك مورخ مشهور میگوید دولت روس علیالات در کوشش است که راه رخنه خود را در ممالک آسیا باز نماید و از آنطرف دولت انگلیس شب و روز در اجتهاد سد این خیال روس است این دو دولت از طرفین روبه هم پیش میروند و هیچ شکی نیست که عنقریب مرکز آسیا محل جدال تجارتي و عسکریه این دو دولت خواهد بود يك مورخ ديگر میگوید مرور ایام مسائل زیاد از میان برده است اما مسئله مشرق باقی است و هر روز بزرگتر میشود بعد از این خیالات بزرگ و

اقتدارهای عظیم و طرحهای جسیم و کل‌عالم بردور این مسئله جمع خواهد شد در یکطرف دولت روس بجهت اجرای طرحهای بزرگ نهایت استعداد را بهم رسانده است و از طرف دیگر دولت انگلیس با کمال اضطراب در تدارك دفع خیال روس است مامی بینیم مدعی گری آیند و دولت کی و چه طور تمام خواهد شد یکی از وزرای بسیار مشهور فرانسه میگوید ببینید این عرصه هیبت افزای جدال عقلی و عسکری که از سرحد چین تا بدریای سفید میان دو طایفه مدعی توسیع یافته است دولت انگلیس بجهت حمله روس از قعر عالم تا بسواحل تاهمه جاهنگامه رزم را ساز کرده است ببیند این دو طایفه بزرگ سنگرهای خود را بچه تدبیر ترتیب داده و بچه هیبت رویهمدیگر پیش میروند یکی از سفرای انگلیس میگوید دولت انگلیس و روس از سرحد چین تا باسلامبول در مقابل هم ایستاده‌اند و در کمال اضطراب مواظب حرکات همدیگر هستند يك پولاتیک جهانگیری این دو دولت را از مسافات عظیمه گذرانده و در قلب آسیا بهم رسانده است حال بحدی باهم نزدیک ایستاده‌اند که نمی‌توانند قدمی بردارند بی‌آنکه بهم‌دیگر بخورند هر دو مجبوراً ممالک خود را توسیع داده‌اند و این توسیع ممالک لازمه بقای ایشان بوده است دولت انگلیس که کمال وسعت رسیده است اما وسعت دولت روس هنوز بعد طبیعی نرسیده است و بر هیچکس مخفی نیست که عنقریب این دو دولت بجهت استیلای آسیا بهم خواهند زد سرنوشت عالم بسته باین منازعه خواهد بود و از حالا علامت این طوفان دولتی در اطراف عالم بروز کرده است و میتوان گفت که جنگ دولتین اگر چه مخفی است ولی در کمال شدت در گرفته است.

یکی از اولیای پولاتیک میگوید پس در تحقیق مسئله شرقی بنا بر این بازیک هنگامه عظیمی و یک محشر دولتی در پیش رو دارد

انگلیس و روس دو پهلوانان عرصهٔ پولطیک سلطنت آسیا را از دست هم خواهند کشید افواج روس و انگلیس بر آن سواحلی که محل عبور اسکندر و امیر تیمور بوده است با هم تصادف خواهند کرد در دوره های افغانستان و در دشتهای هند عساکر جسیم موافق اشاره پطرزبورگ و لندن رو بهم خواهند ریخت و این دو طایفه که تدبیر و اهتمام طبیعت بواسطه کوههای عظیم و دشتهای وسیع و دریا های بینهایت از همدیگر جدا کرده بود با قدرت مهیب روی هم حمله خواهند آورد یوروپ و آسیا و آفریقا از اجزای این هنگامه خواهند بود و در تمام روی زمین يك نقطه نخواهد بود که بلرزش در بیاید اجر این فتح عظیم که یقینا قابل هر نوع اجتهاد و جان فشانی است سلطنت آسیا خواهد بود. یکی از علمای انگلیس در عالم اضطراب فریاد میکند برخیزند ای وزرای انگلیس و ای وکلای ملت و اولیای پولطیک ای صاحبان شمشیر برخیزید که فرصت بغایت تنگ و دقیقه آخری نزدیک است در این اقوال مختلف عقلای روی زمین را بچه پایه مشوش بلاشک در عالم پولطیک هرگز بزرگتر و عجیبتر از این مخالفت دولتین مسئله نبوده است هر گاه بخواهیم روش آینده این دو پولطیک ضدین را مشخص کنم اول باید ببینیم در این مدت گذشته چه کارها کرده اند و از چه نوع راهها پیش آمده اند هر کس فی الجمله از علوم جغرافیا اطلاع داشته باشد میدانند که محل جدال دولتین روس و انگلیس بر سواحل رود اتگک واقع شده و راه عبور دشمن هند در خاک ایران و افغانستان است تشویش انگلیس از این راه منحصر بقصد روس نبوده است در همین راه برای دولت انگلیس همیشه یکنوع اسباب تزلزل فراهم بوده است اول کسیکه دولت انگلیس را بر خطرات این راه ملتفت ساخت ناپلئون بزرگ بود لشکر کشی فرانسه بمصر هیچ مقصودی نداشت مگر سفر هند خود ناپلئون میگوید هر گاه در مصر کار ما پیش رفته بود در نزدیکی فرات صد هزار نفر آدم بر

دور ما جمع میشد و آخر پائیز رو به هند حرکت میکردیم بعد از مراجعت عساکر فرانسه از مصر نوشتجات و طرح ناپلئون در جنگ تیبو صاحب بدست انگلیسها افتاد فرمانفرمای هند در این باب دولت خود چنین نوشته است حالا که این نوشتجات را میخوانم با وحشت ملاحظه میکنم که ما چه قدر شکر خدا را بکنیم که ما را از این خطرات عظیم نجات داده است. ناپلئون بعد از مراجعت از مصر خیال سفر هند را فراموش نکرد اوقاتیکه قونسول اول بود طرح این سفر را با امپراطور پل پدر اسکندر بمیان آورد و بعد وقتی که امپراطور شد طرح مزبور را با خود اسکندر تجدید نمود طرح این نوامپراطور الان در دست است اگرچه آن اوقات دول فرنگ از اوضاع ایران و افغانستان بکلی بیخبر بودند اگرچه حال برای لوازم سفر هند اطلاعات مفصل و طرحهای کامل دارند ولی چون طرح ناپلئون مبنای طرح متاخرین محسوب میشود لهذا طرح مزبور را در اینجا ذکر مینمائیم.

### طرح ناپلئون بزرگ در لشکرکشی هند

مقصود سفیر هند این است انگلیسها را از هند بکلی بیرون بکنیم و این ممالک پر نعمت را از طوق انگیس متخلص نمائیم و بجهت رونق صنایع و تجارت ملل فرنگ خاصه بجهت ملت فرانسه مناهج تازه باز نمائیم این است مقصود سفر هند که موجب فخر ابدی خواهد شد از برای روسائی که موسس چنین سفر جلالت اثر میشوند موافقت دول در این سفر از قرار ذیل است.

دولت فرانسه و دولت روس باتفاق هم هفتاد هزار لشکر مامور سواحل رود اتک خواهند کرد امپراطور نمسه در تسهیل عبور لشکر فرانسه از خاک نمسه لازمه همدستی را خواهد کرد که لشکر فرانسه از رودطونه بکنار دریای سیاه نزول بکند.

### قرار حرکت لشکر روس

بمحض امضای این طرح لشکرکشی امپراطور روس حکم خواهد فرمود که در حاجی ترخان سی و پنجهزار آدم جمع بشوند که بیست و پنجهزارش لشکر منظم و ده هزار قزاق باشد این سی و پنجهزار نفر آدم را بلادرنگ سوار کشتی خواهند کرد و خواهند برد باسترآباد که در آنجا منتظر ورود لشکر فرانسه باشند استرآباد معسکر لشکر متفقہ خواهد بود جمیع تدارکات جنگی و آذوقه عسکریه در آنجا جمع خواهد شد و شهر استرآباد مرکز تردد و روابط هند و روس و فرانسه خواهد بود .

### راه عبور لشکر فرانسه از این قرار است

از اردوی شرقی فرانسه سی و پنجهزار نفر مامور این سفر خواهند بود این سی و پنجهزار نفر برود طونه سوار کشتی خواهند شد و تادهنه رود مزبور پائین خواهند رفت و در آنجا سوار کشتیهای دولت روس خواهند شد و از دریای سیاه و ازوف خواهند گذشت و در نزدیکی شهر تگانروک فرود خواهند آمد این سی و پنجهزار نفر از ساحل راست رودخانه دن بالا خواهند رفت تا بان شهر کوچک قزاق بیاتی اسپیانکی در آنجا از رودخانه دن عبور خواهند کرد و از خشکی بشهر سیارس که بر ساحل راست رود آمل واقع است خواهند رفت و در این شهر سوار کشتی شده وارد حاجی ترخان خواهند شد از حاجی ترخان سوار کشتی تجارتی خواهند شد و از دریای خضر باسترآباد خواهند رسید .

### ایام طول لشکر فرانسه

از خاک فرانسه تا بیست روز از دامنه رود طونه تا به تکازوک شانزده روز از تکازوک تا بیاتی ایزبیانکی بیست روز و از بیاتی



این بیانیکی تاتساریسین<sup>۲</sup> چهار روز از تساریسین تاجی ترخان پنجروز از حاجی ترخان تا باسترآباد ده روز از استرآباد تاروداتک چهل و پنجروز .

### طریقه ختم این سفر از این قرار است

اگر چه فقرات این فضل را محض اختصار ترك میکنم اسبهای سواره و توپخانه را برلب رودخانه طونه خواهند گذاشت فقط اسباب زین و ویراق را باز خواهند کرد از برای یکماه نان خشک آذوقه خواهد شد صاحبمنصبان دایره آذوقه پیش خواهند رفت و در منازل عرض راه آذوقه لشکر را تدارک خواهند کرد از برای عبور رودخانه های دن و اتل لازمه پل و کشتیرا حاضر خواهند کرد مامورین دولتین باید در استرآباد قبل از ورود لشکراشیاءذیل را حاضر کرده باشند. ۱- آذوقه جنگی از هر قبیل و توپخانه قلعه کوب این آذوقه را از قورخانه حاجی ترخان و قازان و ساراتوف خواهند برد . ۲- اسبها بجهت توپخانه و حمل اسباب قورخانه ۳- عراده و دواب جهت حمل و نقل پلها و اثقال اردو ۴- اسب سواری بجهت سواره نظام ۵- جمیع اسباب اردو ۶- انبارهای رخوت و کلاه نظامی و کفش و دستکش ۷- یکدستگاه دواخانه که مجمع کل دواها باشد ۸- انبارهای برنج و نخود و آرد و گوشتهای نمکین و روغن و شراب و عرق ۹- گلهای گاو و گوسفند ۱۰- انبارهای جو و کاه و علف خشک

### حرکت لشکر متفقه

قبل از ورود دولشکر باسترآباد مامورین دولتین پیش خواهند رفت و پروسای آن ممالکی که محل عبور لشکر خواهد بود این مضامین را اعلام خواهند کرد این مضامین را محض اختصار مینویسم بواسطه

۲- تسار تسین - استالین گراد امروز

این نوع اعلام نامجات و بواسطه حسن سلوك و معقولیت و درستی قول یقین است خوانین عرض راه مانع عبور لشکر نخواهند شد گذشته ازین ملاحظات خوانین این ممالک بواسطه نفاق خود قادر هیچ نوع ممانعت نخواهند بود همراه مامورین دولتین مهندسهای قابل خواهد بود که نقشه راهها و ممالک اطراف را بکشند و محل اردو و رودخانهاییکه باید عبور کرد و شهرهاییکه بر راه واقع هستند در جاهاییکه حمل و نقل توپخانه و قورخانه انتقال خواهد داشت همه بر روی نقشه معین بکند و طریقه رفع اشکالات راه را تفصیل بدهند این مامورین بجهت تحویل آذوقه با خوانین عرض راه قرارها خواهند گذاشت شرطها خواهند کرد و گروهی خواهند گرفت وقتی گروه لشکر اول فرانسه باسترآباد وارد شد گروه اول لشکر روس از استرآباد حرکت خواهد کرد سایر گروههای عساکر متفقه بفاصله پنج و شش فرسخ از همدیگر حرکت خواهند کرد چهار و پنجمزار قزاق و قدری سواره نظام خفیف پیشرو لشکر خواهند بود از عقب آنها دستگاه پل خواهد بود گروه پیش رو باید در وقت ضرورت پلها را بر رودخانها نصب بکند و پلها را خراب بکند و مواظب امنیت خارجی اردو باشند دولت فرانسه بسردار لشکر خود امتعه فرانسه خواهد داد از قبیل تفنگ و طپانچه و شمشیر و غیره و چینی وساعتهای ممتازچه دستی چه مجلسی آئینها بزرگ ماهوت اعلی برنگهای مختلف علی الخصوص سرخ و گلی و سبز و آبی که ملل آسیا علی الخصوص ایرانیها زیاد طالب هستند مخمل وزری و پارچه های ابریشم و پرده های تصویر و غیره و غیره و برای جمیع این امتعه را باید در جاهای مناسب باکمال انسانیت و نکته بینی تعارف بدهند و ذلیل مراتب بخشش و قدرت فرانسه سازند و برای آینده يك ممر تجارت باز نمایند از هر صنف پایدار باب کمال و صنایع در این سفر باشند دولت فرانسه برای مطالعه این اشخاص

جميع نقشه‌ها و کتبی که بر ممالک و طوایف عرض راه تزیف شده جمع خواهد کرد .

و صاحب‌منصبان آتشبازی حکماً باید باشند بجهت اظهار قدرت دولت فرانسه و روس باید عساکر متفقہ پیش از حرکت خود چند جشن بزرگ بگیرند و جنگهای هفت لشکر بکنند پس از این تدارکات در پیشرفت مقصود هیچ‌شکی نخواهد بود اما این پیشرفت موقوف خواهد بود بعقل و غیرت و شجاعت و صداقت روسای لشکر همینکه عساکر متفقہ بلب رودخانه اترك رسیدند آنوقت بنای حرکات نظامی خواهد بود عمده اشکال این لشکر کشی در طول سفر است این اشکال هم در مقابل غیرت و شجاعتی و تحمل سرباز فرانسه و روس مرفوع خواهد بود وانگهی نادرشاه از همین راه با جمعیت زیاد از دهلی باسترآباد آمد آنچه يك لشکر آسیا کرده باشند نمیتوان تشکیک کرد که لشکر فرانسه و روس نتوانند بکنند .

در همان اوقاتیکه حواس ناپلئون مصروف این طرح بود زمان— شاه افغان نیز باین خیال افتاد که باچهل هزار نفر بعزم تسخیر هند از راه پنجاب رو بدہلی حرکت بکند و قتیکه آوازہ تدارکات زمان شاه بانگلیسها رسید فرمان فرمای هند در عالم اضطراب فی الفور ملکم صاحب را با دستور العمل وسیع روانه ایران ساخت خلاصہ دستور العمل سفیر مشارالیه این بود شما مأمور هستید که اسباب خرابی زمانشاه را بہر طوریکه میسر شود بتوسط دولت ایران فراهم بیاورید و نگذارید که افغانها بسمت هند هجوم بیاورند و اگر رو بہند حرکت کرده باشند باید تدبیری بکنید کہ دولت ایران در ملک افغان برای زمان شاه چنان مشغولی پیدا بکند کہ زمانشاه لابد بشود برگردد و اقلاً تا سه سال دیگر نتواند بصرافت هند بیفتد .

خود ملکم در کتابی که بر اوضاع پولطیک نامه نوشته است میگوید مقصود مأموریت ملکم صاحب پیش از آنچه منظور بود بمعمل آمد سفیر انگلیس نیز نه تنها دولت ایران را محرك شد که بسمت خراسان حرکت بکند و زمان شاه را مجبور بسازد که دیگر بخیال هند نیفتد بلکه شاه ایران را بر این داشت که بهیچیک از دول خارجه را بایران راه ندهد و دولت انگلیس را منحصرأ بهره یاب سازد از جمیع منافع این مراودات تازه مورخ دیگر میگوید مقصود مأموریت ملکم بطور اکمل حاصل آمد و زمان شاه بیچاره پیش از آنچه منظور انگلیس بود در افغانستان مشغولیت پیدا کرد از آن تاریخ تا امروز شصت سال میگذرد و هنوز افغانستان از این مشغولیت خلاص نشده است و بواسطه همین مشغولیت چهار پادشاه افغان و بیست سردار معظم که همه برادر و قوم بودند همدیگر را يك بیک تمام کرده اند و بی آنکه ملتفت شده باشند خون يك کرور مسلمان را نثار پولطیک انگلیس نموده اند از این مصائب هائیکه افغانستان را در این مدت غریق خون خود ساخته بزبان پولطیک مشغولیت دولتی میگویند هرگاه اولیای دولت ایران از اصطلاحات این زمان فی الجمله اطلاعی میداشتند یقین در انجام مطالب ملکم صاحب باین شدت تعجیل نمیکردند یکی از معلمین پولطیک میگوید دولت انگلیس دولت ایران را بحسن سلوک و بوعده های رنگین اسباب پولطیک خود ساخت اما همینکه بواسطه عزل زمانشاه آسودگی حاصل آمد دیگر در بند دولت ایران نشد در این بین دولت ایران با ناپلئون مراده بهممرسانیده همینکه فرانسه تا پای بخاک ایران گذاشتند میل و محبت انگلیسها نسبت بایران باز با کمال شدت پیدا شد مأموریت فرانسویها بایران انگلیسها را بطوری مضطرب ساخت که عوض یکنفر دوسفارت علیحده مامور ایران کردند اولیای دولت بی آنکه از مقاصد اطراف اصلا اطلاعی داشته باشند همینکه صدای پول

انگلیس را شنیدند مامورین ناپلئون را سراسیمه از ایران بیرون کردند و بواسطه این ححق دولت کشتی پولطیک ایران را صدسال عقب انداختند بلکه در همان وقت دولت ایران را تمام کردند ناپلئون از مرآوده و دوستی ایران که مقصودی نداشت مگر دوفقره که آن هم بلاحرف متضمن اعظم مصالح دولت ایران بود یکی این است که اسباب سفر هند را فراهم بیاورد و یکی دیگر دولت ایران را در جنگ روس همدست خود بسازد و یقین بجهت ایران بهتر از موافقت ناپلئون پولطیک همیشه ولیکن چون آنوقت خرابی روس بواسطه استیلای فرانسه منافی پولطیک انگلیس بود دولت انگلیس محض صلاح موقتی خود دولت ایران را از موافقت فرانسه باز داشت و منازعه ایران و روس را بواسطه عهدنامه گلستان صلح داد در همان اوقات که پولطیک انگلیس با اضطراب تمام در ایران مصروف دفع فرانسه بود مامورین انگلیس در افغانستان بممالک سند نیز بهمان اضطراب مشغول کار بودند عهدنامجاتیکه در آن بسته شده جمعاً مبنی بر مقصود واحد است فقره اصلی این عهدنامجات از این قرار است عهدنامه ایران و انگلیس بتاریخ هزار و هشتصد و نه فقره سیم دولت ایران نخواهد گذاشت که هیچ لشکر فرنگی از خاک ایران بگذرد و رو بپند یا رو بیکی از دیار هند حمله کند در عهدنامه دیگر تاریخ هزار و هشتصد و چهارده فقره اول در صورتیکه یکی از دول فرنگ بخواهد بمملکت هند هجوم بیاورد خواه از راه خوارزم و تاتارستان و بخارا و سمرقند خواه از راه‌های دیگر دولت ایران متعهد میشود که بقدر قدرت خود خواه بزور لشکر خواه بواسطه تدابیر مرآودات سلاطین حکام ممالک عرض راه را براین دارد که بمقام رفع هجوم مزبور برآیند .

عهدنامه انگلیس با امیران سند فقره چهارم دولت سند نخواهد گذاشت که اهل فرانسه در ممالک سند استقرار بگیرد عهدنامه

انگلیس باشاه شجاع بتاریخ هزار و هشتصد و نه فقره اول چون دولتین فرانسه و ایران بعزم مخالفت دولت افغان باهم موافقت کرده اند هرگاه این دو دولت بخواهند از خاک افغان بگذرند دولت ابد مدت مانع خواهد شد و بقدر قوه با این دو دولت جنگ خواهد کرد و نخواهد گذاشت که داخل خاک هند بشوند بعد از آنکه دولت انگلیس از سمت ایران و افغان آسوده شد و بواسطه انهدام دولت ناپلئون از جنگهای فرنگت فراغت حاصل کرد آن وقت خود را در مقابل مدعی حقیقی هند دید طرح ناپلئون با خود ناپلئون رفته بود اما طرح پطرکبیر همیشه زنده بود و روز بروز بزرگتر میشد ترقیات روس در اندک مدت ادعای آن دولت رانسبت بهند بحدی محسوس و آشکارا ساخت که دیگر برای دولت انگلیس نه مجال تردید باقی ماند نه فرصت تامل چیزیکه انگلیس را مضطرب داشت این بود که خطر روس بهیچوجه ربطی بخطرهای سابق نداشت لی یوصاحب و زمان شاه و ناپلئون خطر موقتی بودند ولی اقتدار روس خطر دائمی خطر ملی خطر تقدیری بود تدابیر رسمی در مقابل این نوع خطر چندان ثمری نداشت از فوت فلان امپراطور و از عزل فلان وزیر حالت مسئله بهیچوجه تغییر نمی یافت و ملت روس مثل سیل سهمگین پیش میرفت و در مقابل چنین سیل هیچ سدی بنظر نمی آید باوصف این اولیای دولت باقتضای لزوم حتمی و بحکم پولطیک ملی باتمام قدرت عقلیه و مالیه خود بمقام چاره برخواسته چاره کار منحصر باجرای تدابیر ذیل بود در آن ممالکی که میان روس و هند واقع بود باید چنان دولی برپا کرد که در یکطرف مانع هجوم روس باشند و از طرف دیگر اصلا قدرت مخالفت انگلیس را نداشته باشند حل این مسئله بنظر محال می آمد اما عقل انگلیس مدتی است که این قسم مسائل را در هند حل کرده است ببینیم در این باب چه نوع تدابیر بکار برده است در هند بعضی ممالک بودند که تسخیر آنها برای

دولت انگلیس موجب مرارت و ضرر و بقای آنها درحالت طبیعی خود منافی طبیعی انگلیس بود بجهت اصلاح این دونکته ضدین انگلیسها یکنوع دولتی اختراع کردند که دولت موجب خور و باصطلاح پولطیک انگلیس دولت دوست میگویند مبنای دولت دوست این بود که انگلیسها از ممالک یکدولت مستقل هر قدری که میتوانستند تصرف میکردند و بعد یکی از مدعی‌های پادشاه آن ملک را بزور خود بسطنت آن دولت میرسانیدند چون اقتدار این پادشاه جدید مبنی بر حمایت انگلیس بود لهذا بجهت حفظ حمایت مزبور بقدر امکان با انگلیسها تمکین و اطاعت میکرد تعهداتی که بموجب عهدنامه قبل طرفین میشد ازین قرار بود .

اولا بجهت مخارج این قسم ضمانت انگلیس سالی فلان مبلغ را بدهد دوم بدون اذن انگلیس باهیچیک از دول خارجه مرآوده نداشته باشد سیم فلان قدر لشکر انگلیس در ممالک دولت دوست مستحفظ باشد چهارم دولت دوست از فلان عدد معین بیشتر لشکر نگاه ندارد پنجم صاحب منصبان این لشکر کلا انگلیس باشند ششم دولت دوست بجهت مخارج این دولشکر یک مالیات مخصوص معین نمایند و تمام مخارج دولشکر در اختیار سفیر انگلیس باشد هفتم عزل و نصب وزرا باختیار سفیر انگلیس باشد با این چند شرایط دوستی دولتین بحد کمال بود تا چند سال قبل ازین در کل هند دو بیست و بیست حکمرانی جداگانه و قریب دو بیست دولت بزرگ بود مثل دکهن ، کوالپور ، لکناهور برار سندن ، میسور ستاره پنجاب وغیره غیره این دول متعدده که از بیست الی هفت کرور جمعیت و از بیست الی چهار کرور مالیات داشتند انگلیسها همه را بدرجات مختلف دوست خود قرار داده بودند و بقدر قوه اهتمام داشتند که در همان حالت دوستی نگاه دارند زیرا که تعدیات و معایب دولت جمعا راجع بروسای ظاهری بود و فواید ملک کلا عاید انگلیس میشد ولیکن باقتضای اوضاع

کلیه هندانگلیسها لابد شدند که دوستی این دول را بتدریج مبدل بتصرف مطلق بکنند دولتی که در دوستی خود از سایرین بیشتر دوام کرده است حیدرآباد دکن است این دولت بزرگ که بقدر هشت مقابل انگلیس بود پس از جنگهای زیاد و تقسیمات متواتره اخرا امر خود را دوست انگلیس قرار داد حال هفتاد سال است که در زیر سایه دوستی انگلیس آسوده است بیست و چهار کرور جمعیت دارد و شانزده کرور مالیات در دو فرسخی حیدرآباد که پای تخت دکن است همیشه ده هزار نفر از لشکر هندی انگلیس اقامت دارد و دوازده هزار سرباز دولت در تحت اختیار صاحب منصبان انگلیس مشغول محافظت امنیت درونی هستند وزیر اول را سفیر دولت انگلیس معین میکند و مخارج این دولشکر با مخارج ضمانت انگلیس از يك مالیات معین بتوسط سفیر مزبور داده میشود و پادشاه دکن که ملقب بنظام است بانظام مخفف نظام الدوله در کمال آسودگی در عمارت خود سلطنت میکند انگلیسها اوضاع حیدرآباد را سرمشق دول دوست میدانند و اینکه همیشه میگویند مابه ایران از برای دوستی آمده ایم معنی دوستی ایشان این است که بیان شد و اینکه اولیای دولت ایران باوصف انواع اهتئات هنوز نتوانسته اند دوستی انگلیس را تحصیل کنند محض این است که معنی دوستی مزبور را درست نفهمیده اند تا اوضاع ایران مبدل با اوضاع حیدرآباد نشود ممکن نیست که انگلیسها دولت ایران را مستحق دوستی خود بدانند هرگاه کسی حرکات و اقوال ماموریت انگلیس را در ایران درست بشکافد میبیند که درین شصت سال گذشته جمیع تدابیر و خیالات ایشان راجع بتبیه اسباب دوستی مزبور بوده است پولی که به خاقان میدادند و مداخله که در مراده خارجی ایران نمودند و صاحب منصبانی که برای تعلیم عساکر ایران فرستادند و خصوصیتی که بفرمانفرمای فارس داشتند و مواجبی که بمیرزا ابوالحسن خان میدادند و میل باطنی که بسالار داشتند کلا



مقدمات دوستی انگلیس بود اکنون هم شاهزاده حال که معنی دول دوست را موافق اصلاح انگلیسها<sup>۲</sup> برگردیم بر مطلب اصلی خود اولیای دولت انگلیس بجهت دفع روس هیچ چاره ندیدند مگر آن ممالکی که میان روس و هند واقع است بتدریج دوست خود بسازند .

در اوایل سلطنت خاقان مغفور تخم امید دوستی را در ایران کاشته بودند اما بعد از چندی فهمیدند که بواسطه پیشرفت روسها در گرجستان و حضور مأمورین ایشان در ایران حصول دوستی کامل چندان آسان نخواهد بود لذا مصمم شدند که طرح این دوستی را اول در افغانستان ابتدا کنند و بعد تا بهر جای ایران که میسر شود بتدریج امتداد بدهند چند نفر صاحب منصب معروف که از جمله اجله پولطیک محسوب بودند بعزم این طرح تازه مأمور افغانستان شدند در این بین دولت ایران بی آنکه از خیالات اطراف اطلاعی داشته باشد بنای سفر خراسان را گذاشت سردارهای افغان باستظهار وعده‌های ایران زیر بار دولت انگلیس رفتند و مأمورین آن دولت را مایوساً جواب گفتند نمیتوان گفت و تصور کرد که بواسطه این مقدمات و بعضی حرکات دولتی روس در سمت ترکستان چه نوع ولوله و اضطراب در میان انگلیسها افتاد تدبیری که از برای پولطیک ایشان باقی ماند این بود که بلا درنگ دوستی خود را بزور لشکر در ممالک افغان برقرار سازد شاه شجاع و برادر زمان شاه را که سالها بود محض احتیاط این نوع روزها در هند موجب میدادند اسباب این طرح تازه قرار دادند و او را با مخارج گزاف بر ملک افغانستان مسلط ساختند با همان شرایط دوستی که منظور انگلیس بود باز یکی از فقرات عهدنامه این بود شاه شجاع الملك متمهد میشود و خلفای خود را نیز متمهد میسازد که بدون اطلاع

۲- در نسخه اصلی در اینجا کلمه یا کلماتی ساقط شده

و رضایت انگلیسها باهیچیک از دول خارجه مراوده نداشته باشد و همچنین متعهد میشود که با تمام قدرت خود با هر دولتی که قصد تسخیر هند را داشته باشد بجنگد از وجهها و تحمل های دولتی که کل ملت انگلیس از تقدیم این پولطیک ملی ظاهر ساخت معلوم میشود که دولت انگلیس چه کار عمده را از پیش برده بود نصف بیشتر طرح انگلیس بطور دلخواه بعمل آمده بود ولی در حینی که بعزم انجام نصف دیگر در تدارك امر هرات و بخارا بودند غیرت و مردانگی طایفه افغان بهمان تفصیلی که بر همه کس معلوم است حاصل جمیع تدابیر و فتوحات پولطیک انگلیس را دریک طوفان ملی منهدم ساخت یکی از مورخین میگوید دولت انگلیس يك گناه عظیمی کرد وقتیکه خواست بدون هیچ حق بتوسط شاه شجاع در افغانستان مسلط شود انتقام الهی آخر حرص انگلیسها را منکوب ساخت رؤسای این طرح جمعاً مفضوباً منعدم شدند طایفه افغان افواج انگلیس را از يك سمت روداتك بسمت هند ریخت و در هند را برای ورود ایشان بست کلید این در قسمت دولتی روس است و بعد از این افتتاح در مزبور موقوف بمیل روس خواهد بود. اگر چه شکست انگلیس در افغانستان برای پولطیک آن دولت صدمه قابلی بود ولی جنس انگلیس از آنها نیست که طرح پولطیک خود را باین نوع صدمات موقتی تغییر بدهد پولطیک اصلی در همان حالت سابق باقی ماند چیزیکه تغییر یافت فقط راه پیشرفت و رسم اجرا بود همینکه افغانستان از دست رفت ممالک سند پنجاب را بی تامل تصرف کردند بواسطه ضبط این دولت معظم علاوه بر اینکه صدمات افغانستان بالمضاعف تلافی گردید اسباب پولطیک اصلی را بهتر از سابق مهیا ساختند چنانکه میتوان گفت که الان ممالک افغان در تحت تصرف انگلیس است .

طرح پولطیک انگلیس از قراری است که عرض شد چند کلمه هم از طرح عسکریه آن دولت بگوئیم در ضمن این مطالب يك مسئله طبیعی هست که بیان آنرا باید مقدم داشت در ولایت ینکی دنیا که بتصرف طوایف فرنگ افتاده‌اند از نسل ایشان طوایف بزرگ پیدا شده‌اند اما تا بحال زیست و تناسل جنس انگلیس در خاک هند ممکن نبود کل اطفال انگلیس که در آن ملک متولد میشدند پیش از آنکه بعد رشد و بلوغ برسند کلاً بدون استثناء می‌مردند این حکم طبیعت در قطع نسل انگلیس یکی از مشکلات عمده حفظ هند شده است صد و پنجاه سال است که انگلیسها طبقه بطبقه از خاک هند میگذرند بی آنکه از نسل خود آثاری باقی بگذارند و بی آنکه بتوانند در آن صفحات از جنس خود جمعیت کافی فراهم بیاورند ولیکن چندی قبل وقتیکه پنجاب را گرفته با کمال وجد دیدند که زیست جنس انگلیس در ملک مزبور آسان مقدور است . و چون رود خانهای پنجاب و بخصوص رود آتک که از بالای کشمیر تا خاک سند تا دریای عمان امتداد بیابد سرحد طبیعی و اعظم سد های راه هند میباشند انگلیسها مصمم شدند که کلید اقتدار خود را در خاک پنجاب جمع نمایند و رود آتک را سنگر عسکر خود قرار بدهند بهمین خیال پیشاور را یکنوع سواستوپل ساختند و طرح مقابله دشمن را بر همان سواحل رود اتک ترتیب دادند ولی پس از استکام این سرحدات طرح مدافعه را باز ناقص و غیر کافی دیدند اولاً معسکر پنجاب از مقر قدرت انگلیس زیاد دور بود ثانیاً محل جدال بممالک هند زیاد نزدیک بود بجهت رفع این عیب کلی مهندسین انگلیس يك طرح تازه پیدا کردند که هیچ ربطی بنخاک اولی نداشت محمره و عربستان ایران در وسط راه هند و لندن واقع است و از هر حیثیت

چه بجهت عبور عساکر انگلیس چه بجهت دفع حمله روس و چه بجهت حرکات ایران بهترین منازلست طرح تازه مبنی براین بود که دولت انگلیس کل قدرت خود را در عربستان و بنادر فارس جمع آوری و عوض اینکه حمله روس را در سواحل رود اتک منتظر باشد از خاک عراق میان برکنند و در سمت استرآباد بر روی روسها بیفتد این طرح چندین محسنات دارد اولاً عساکر لندن صد مرتبه زودتر و سهلتر بفارس میرسد تا به پنجاب ثانیاً موافق علم نظام در این قسم لشکرکشی که باید يك سرستون دشمن در مازندران و سر دیگر در افغانستان باشد .

### پانزدهم - درباره لیبیا

این نوع حمله انگلیس لشکر روس را حکماً مجبور ساخت که اول بدفع استعداد فارس پردازد و در این صورت استکامات طبیعی فارس قوه دافعه انگلیس را مضاعف خواهد کرد ثالثاً هرگاه انگلیس در این صفحات مغلوب بشود باز در پنجاب یکدفعه آخری تجدید منازعه ممکن خواهد بود رابعاً بواسطه حضور انگلیسها در فارس موافقت ایران برای روس چندان فایده نخواهد داشت بلکه زور عمده ایران در دست بود خلاصه این طرح جدید هر دو مرتبه بر طرحهای سابق ترجیح دارد جنگ آخری ایران هیچ دلیلی نداشت مگر این طرح، بخت دولت اسلام و صد حسن اتفاق اجرای قصد انگلیس را موقتاً بتأخیر انداخت اما اشخاص که از دقایق پولطیک انگلیس و از مدارج لزوم این طرح استحضار دارند میدانند که دولت انگلیس باین آسانی از چنین طرح ناگزیر دست نخواهد کشید راه آهنی که میخواهند از بحر سفید تا بمحمره بسازند و نصب قونسولهای شیراز و استرآباد و موافقت انگلیس با امام مسقط و حشت مفرط از استقرار در بیدق ینکی دنیا در خلیج فارس و بخصوص مأموریت دالنون بایران . دالنون از مؤسسين

واز استاد های معروف این طرح تازه است مأموریت او بسمت بغداد محض تفحص دقایق این طرح بود و خود کسیکه بجهت این طرح عسکریه و آن طرح پولطیک که سابقاً ذکر شد بنوعی لازمه بقای دولت انگلیس شده است و حواس انگلیسها بعدی صرف این مطالب است که در هر گوشه آسیا هر حرکتی که از ایشان صادر شود خواه جنگ خواه صلح خواه التماس خواه تهدید با کمال اطمینان میتوان قسم خورد که مقصود باطنی نیست مگر پیشرفت این دو طرح در ایران بعضی اشخاص گفته‌اند که اگر انگلیسها از دولت ایران مطمئن بشوند مضایقه نخواهند داشت که تمام افغانستان را بایران بدهند الحق حرف بزرگی زده‌اند و البته راه اطمینان را هم پیدا کرده‌اند اما من هرچه فکر میکنم نمیتوانم بفهمم دولت افغان که بتنهائی در دست زمان شاه مایه آنهمه وحشت انگلیس شده بود وقتی منظم ایران بشود چگونه اسباب اطمینان آن دولت خواهد بود و حال که چهارصد فرسخ از بنادر دور هستیم بمحض اینکه درهرات یک توپ خالی میکنیم تمام هند برهم میخورد پس آن روزیکه افواج ایران داخل جلال آباد بشوند حالت هندچه خواهد بود هرچه تعقل می‌کنم موافق هیچ علم موافق هیچ قانون اقتدار ایران با اطمینان انگلیس جمع نمیشود یقین اشخاصی که این اجتماع ضدین را مبنای پولطیک خود ساخته‌اند چنان خیال میکنند که معنی اطمینان انگلیس منحصر باین است که بالفاظ سهل و بقسم های فصیح از مأمورین انگلیس تملقات زمانی بگویند و بجهت خوش آمدن محرر سفارت ایشان اسباب رنجش دولت روس را فراهم بیاورند .

**در بیان حال مدرسه لیفیه لم**

بلی هرگاه وزرای انگلیس باین اطمینانها اکتفا میکردند سند را هم علاوه بر افغانستان بما میدادند اما حیف که دولت انگلیس

حصول اطمینان خود را منحصر بآن اسباب میدانند که در بیست دولت مستقل هند امتحان کرده است دوستی و اطمینان دولت انگلیس نسبت بایران وقتی ظهور خواهد کرد که اوضاع حیدرآباد و دکن را سرمشق دولت خود قرار داده باشیم .

فرمان فرمای هند در اوقات سفر شاه مرحوم بهرات نوشته است یا باید بقدر قوه لازمه تدابیر بکار ببریم و بگذاریم که در افغانستان اعتبار خارجه رخنه بکند و یا باید بلاد رنگ در تدارک ردآن بقدری باشیم که برسرحدات ما حمله آرد .

ایران و افغانستان در پولطیک مشرق بینهایت بهم رسانده اند افغانستان در هر ایام اسباب وحشت و تزلزل صاحبان هند بوده است کابل و قندهار در هندوستان هستند هر وقت این در بسته باشد هند از شر دشمنان خشکی محفوظ است .

باز فرمان فرما میگوید امنیت ممالک ما در مشرق بحکم وجوب مارا لابد دارد که در سمت افغانستان چنان دستگاهی برپا کنیم که سد حمله خارجه باشد و قدرت نداشته باشد که مقوی خیالات کشورگیری دشمنان ما بشود یکی از سفرای انگلیس که سابقاً مقیم ایران بوده میگوید اعتقاد باطنی من این است که دولت انگلیس نمیتواند بگذارد که دولت ایران در سمت افغانستان وسعت بیابد زیرا که نزدیکی ایران به هندوستان حکماً مایه اغتشاش ممالک خواهد بود باز یک فرمان فرمای دیگر میگوید ما باید در افغانستان جنگ دائمی برپا کنیم که اسباب رد حمله دشمنان شمالی و مغربی باشد هرگاه هرات بدست دولت ایران بیفتد طالب این دولت بر کل ممالک هند مشرف خواهد بود .

لرد پالمستون در پارلمان انگلیس فریاد میکند در تمام عمرم حرفی که از همه بیشتر حاصل عقیده قلبی خود میدانم این است

که اگر ما از افغانستان دست بکشیم اعظم مصالح دولت انگلیس پایمال خواهد شد یقین بدانید که افغانستان را بهر ملاحظه که ترک نمائید باز خواهد رسید آنروزیکه مجبور خواهید شد که با مخارج گزاف و با اتلاف عساکر وافر این ممالک را دوباره تصرف کنید با وصف اعلام این مضامین نمیدانم باز احتمال اینکه انگلیسها افغانستان را بایران واگذار مینمایند چیست ؟

پولطیک انگلیس در ایران يك روش غریبی داشته است مقصود واحد این پولطیک همیشه حفظ هند بوده اما با وصف این وحدت مقصود دولت انگلیس راههای مخالف و تدابیر ضدیکدیگر اختیار کرده است مثلا یکوقتی می بینیم پولطیک انگلیس دولت ایران را بحفظ دولت روس مجبور میسازد و پس از چندی مخالفت روس را از لوازم صلاح ایران می‌شمارد یکوقتی صد کرور خرج میکند که دوست محمدخان را از افغانستان بیرون کند یکوقت دیگر همان دوست محمدخان را تقویت میکند که باید قندهار و هرات را بگیرد و در عهد زمان شاه افغانستان را بایران می‌دهد در عهد ناصرالدین شاه سیستان را هم می‌خواهد از ایران بگیرد هنگام سفر ناپلئون بمسکو فرانسه‌ها در ایران خائن بودند و روسها دوست صادق همینکه جنگ سواستاپول بروز میکند پولطیک انگلیس همان فرانسها را که از ایران بیرون کرده بود بایران می‌آورد که باتفاق هم دولت ایران را تحریک بکند بمخالفت همان دولت روس که در انعقاد عهدنامه گلستان دوستی اش را برای دولت ایران ناگزیر میدانستند بدیهمی است که صلاح دولت ایران در این شصت سال گذشته یکی بوده است و اختلاف پولطیک هیچ سببی نداشته است مگر مقتضیات پولطیک انگلیس دولت ایران بی آنکه ملتفت شده باشد در این مدت اسباب پولطیک انگلیس بوده است پولطیک انگلیس با وصف استعمال

این همه تدابیر مخالف بجز حفظ هند مقصود دیگر نداشته است از اول تا آخر همیشه حفظ هند و باز هم حفظ هند .

در پولطیک انگلیس يك نکته دیگر هم هست که غرابت آن بیشتر از نکته فوق موجب تأمل میشود مقصود انگلیس در آسیا نقطه مقابل مقصود دولت روس است یکی میخواهد در مقابل خود سدهای محکم برپا کند و یکی دیگر میخواهد هرچه سد است از پیش خود بردارد ترقی یکی تسخیر ممالک خارجه را لازم دارد تسخیر ممالک خارجه برای دیگری مایه تنزل و خرابی است دولت روس بخواهد عالم را مسخر کند دولت انگلیس فواید بیشتر ممالک خود را بدیگری وامیگذارد و لیکن تعجب است که وصف این ضدیت مقصود دولت انگلیس در این شصت سال گذشته ده مقابل بیشتر از دولت روس مملکت گیری کرده است دلیل این واضحست مقصود دولت انگلیس در این مدت بلاشک منحصر بتصرف سواحل هند بوده است اما از آنجائیکه تسخیر هر ملک تسخیر ملک دیگر لازم دارد دولت انگلیس هم باقتضای این تسلسل دولت لابد بوده که بتدریج کل ممالک هند را مسخر نماید تصرف مدرس تصرف کلکته را لازم دارد کلکته اسباب تصرف بنگاله و بنگاله موجب تصرف دکن شد حفظ این ممالک انگلیسها را بدلهلی آورد حفظ دهلی تصرف افغانستان را لازم ساخت شکست کابل مقتضی فتح حیدرآباد بر حسب دولت پنجاب شد حفظ لاهور بدون پیشاور ممکن نبود وضع این سرحد استقلال هرات را لازم ساخت و حال استقلال هرات غصب سیستان را لازم دارد و هیچ شکی نیست همان لزومیکه انگلیسها را برخلاف میل ایشان در میان صد دولت مستقل گذرانده و از کلکته بهرات آورده حکماً ایشانرا از سیستان به شوشتر خواهد برد این بسط استیلای انگلیس از شرایط جبری استیلای مزبور



است آن سفیر مشهور نامی که در کابل کشته شد میگوید استیلای انگلیسی مثل آن دایره‌ایست که در میان يك حوض بزرگ بواسطه ضرب خارجی بر روی آب احداث میشود دایره مزبور متصل بسط مییاید تا آخر از شدت بسط محو میشود استیلای انگلیس هم ناچار باید متصل وسعت بیابد و آخر از شدت وسعت از روی زمین محو بشود اوضاع يك سمت ایران را بیان کردیم حال وقت تحقیق اوضاع سمت دیگر است پولطیک روس در مشرق زمین از آفتاب روشنتر است اقتدار آن دولت از دول همجوار اصلا باکی ندارد و تا امروز استعمال حیل دولتی را هرگز لازم ندیده است اعلام‌نامه پولطیک روس است خدا آسیا را بمن داده است تسخیر اسلامبول و هند سرنوشت ملی من است هیچ چیز مرا از تقدیم این سرنوشت باز نخواهد داشت دولت روس از بدو ظهور خود این طرح ملی را بعالم اعلام کرده است در صد و پنجاه سال است قدم بقدم روباین مقصد خویش میرود و اگر در عرض راه گاهی ایستاده و گاهی برگشته است این تخلفات ظاهری محض عوارض موقتی بوده است و بر استقامت حرکت اصلی بهیچوجه تأثیری نداشته است صد و سی سال قبل از این که هنوز اسم این دولت روس در این صفحات تلفظ نشده بود پطرکبیر بجهت ابتدای طرح تسخیر آسیا با چهل هزار نفر از دربند گذشت و سمت شرقی گرجستان را تا بمازندران تصرف کرد پس از فوت پطرکبیر صولت نادری تمام آن دستگاہی را که مؤسس شوکت روس با اعجاز عقلیه خود در این سمت قفقاز برپا کرده بود بيك نهیب قادرانه باطل و منهدم میساخت و لیکن با وجود این شکست اول و با وجود شکستهای دیگر باز هرروز دولت روس در این سمت کوه قفقاز بقدر ده مقابل تسخیرات پطرکبیر ولایت در تصرف خود دارد هیچ نوع حادثه خارجی و هیچ قسم انقلابات درونی دقیقه دولت روس را از ترقی طبیعی

خود باز نداشته است اقتدار روس در سمت آسیا متصل پیشی رفته است و میتوان گفت که الان در صحرای گرگان و سواحل جیعون بجهت انتزاع سلطنت آسیا صفا آرای می کند و وقتی کسی مرتب روس را تحقیق میکند اول نکته که موجب تأمل می بیند این است که چرا دولت روس در این صد و سه سال تمام ممالک آسیا را نگرفته است بقای ممالک آسیا بتصدیق کل وزرای فرنگ هیچ دلیلی ندارد مگر يك خبط بزرگ که تا این اواخر دامنگیر دولت روس شده بود خبط مزبور این است که پطر کبیر حرکت سیل قدرت روس را در طرفی قرار داد یکسمت سیل را بسمت آسیا سرازیر کرد و سردیگر را رو بفرنگ برگردانید خلفای پطر کبیر خبط او را باقتضای حرکت اولی رفته رفته وسعت دادند و تمام قدرت خود را صرف پولطیک فرنگ ساختند کل اهل پولطیک و جمیع وزرای مشهور متفقاً اقرار دارند که هرگاه دولت روس عشرآن اجتهاد و تدابیری که در سمت فرنگ بکار برده صرف آسیا کرده بود حال تمام آسیا در تصرف روس بود و بواسطه تصرف آسیا در سمت فرنگ نیز مقصود اصلی بعمل آمده بود سی سال علی الدوام رؤسای ملک فرنگ به امپراطور نیکولا فریاد کردند که شما در ملک فرنگ حق مداخله ندارید ملت روس بحکم تقدیر مأمور تسخیر آسیا است ما این مأموریت را تصدیق داریم از امور فرنگ دست بکشید و مشغول انجام مأموریت خود باشید. یکی از علمای پولطیک میگوید دولت روس بحکم تقدیر مأمور است که سیولیزاسیون فرنگ را بممالک آسیا بردچیزیکه مانع پیشرفت این مأموریت شده این است که دولت روس نمیخواهد در آسیا چنان مشغولی پیدا کند که حواس خود را از امورات فرنگ برگرداند دولت روس عوض اینکه حواس خود را صرف ممالک فرنگ بکند هرگاه مشغول آسیا شده بود حلال

ممالک عثمانی و ایران و هند در تصرف آن دولت میشد و بیدق روس هم در اسلامبول و هم در هند رود اتک و هم در کلکته مرتفع بود دولت روس باقتضای وضع طبیعی خود بحکم تقدیر مأمور است که تجارت آسیا و یوروپ را تصاحب کند چیزیکه مانع انجام این مأموریت شده برتری طوایف آسیا است بنابراین بردولت روس واجب است که حالت این طوایف را جبراً تغییر بدهد و استیلای خود را روز بروز در آن صفحات منتشر سازد یک حکیم دیگر میگوید بردولت روس واجب است که محرك ترقی ممالک آسیا شود و این ممالکرا از نعمات سیولیزاسیون بهره‌یاب سازد روش ترقی عقلیه دولت روس همت این دولت معظم را دعوت میکند که این طرح بزرگ را معمول دارد دولت روس باید ممالک آسیا را مسخر کند هم بزور تجارت هم بزور اسلحه هم بزور پولطیک یک حکیم نمسه میگوید دولت روس حق شرعی دارد ویر ذمه آن دولت واجبست که برممالک آسیا مسلط شود یک منصف دیگر فرانسه میگوید دول فرنگ باید دولت روس را مقوی باشد که ممالک آسیا را تصرف نماید دولت روس هم در مقابل فرنگ ایستاده است هم در مقابل آسیا ولی چون خزاین روس کلا صرف خاک فرنگ شده است هرگاه دولت روس یک خروار قند خود را از بالطیک بدریای خزر برگردانیده بود حال ازبنادر چین تا بدریای سفید همه را در تصرف خود داشت .

امپراطور نیکولا بواسطه حرص طبع غیور و بواسطه حظ آن تسلط که در امور فرنگ بهم رسانده بود توانست از سبک اجدادی تخلف نماید واینقدر در مداخله اوضاع فرنگ اصرار کرد تا آخر الامر دولت روس مجبور شده در سواستاپول خبط پولطیک خود را اعتراف نماید ولی بعد از این درس آخری دولت روس از

قید خبط قدیم خود بکلی خلاص شد چنانکه حال در امور داخله فرنگ هیچ مداخله ندارد مگر تماشای دولتی کل حواس این دولت برخلاف سابق صرف اوقات آسیا است هرگاه کوش اهل ایران مثل گوش ملت انگلیس برآوا زمخبر باز بود من هم مثل مصنف انگلیس فریاد میزدم برخیزید ای وکلای دولت اعتقلاى ایران ای رؤسای اسلام برخیزند که ظهور طوفان نزدیک و مجال تدارک منتهی است سیل قدرت روس از فرنگ باسیا گردید خطر انگلیس درپیش این خطر هیچ است بیک خبط جزئی دولت ما تمام ، بیک اشاره پطر عمر ما منتهی است .

فصل پولطیک روس را بیش از این شرح نمیدهم مقصود این پولطیک واضح و راه این سیل معین است دولت روس باید حکماً بسمت هند حرکت بکند قصد این دولت برهیچکس مخفی نیست هر وزیریکه منکر این قصه باشد مثل سابق درکمال آسودگی مشغول مزید تشخیص خود باشد و هرکس ادعای غیرت و دولتخواهی میکند مقابله سیل روس را مهیا باشد دور نیست در ایران بعضی اشخاص بواسطه عدم اطلاع امکان لشکرکشی روس را بسمت هند منکر باشند درباب این مطلب يك صاحبمنصب معروف میگوید وزرای مشهور و اشخاص مخصوص که از این مسئله استحضار تامه دارند جمعاً امکان وسهولت سفر هند را مقرر هستند یکی از فرمان فرمای هند دریك کاغذ رسمی میگوید من هیچ دلیلی نمی بینم که مانع لشکرکشی دشمن به هند باشد بنابراین بر ما لازم است که از هیچ نوع احتیاط بقدر قوه غفلت نکنیم .

### یکفرمان فرمای دیگر میگوید

بواسطه جنگ افغانستان ما خودمان بدشمنان خود راه هند را یاد دادیم و آشکار کردیم که راه هند چه قدر آسان است يك

صاحب منصب انگلیس میگوید اوایل گمان میکردند که مایه اشکال لشکرکشی خارجه بسمت هند ممالک افغان خواهد بود چند سال قبل این اعتقاد راست بود اما خود انگلیسها زحمت کشیدند و بواسطه لشکرکشی در افغانستان اشکالات آن ممالک را بکلی مرفوع ساختند يك مهندس فرانسه میگوید امکان حضور لشکر روس بر ساحل رود اترك مدتها محل گفتگو بوده است اما وقتیکه دریاچه ارال بتصرف روس افتاده و از وقتی که اولیای دولت روس حواس خود را صرف ممالک ترکستان کرده‌اند امکان این سفر برای هیچ مهندس نظامی تشکیکی باقی نگذاشته است و هرکس حقیقت حالت لشکر هند را تحقیق کرده است نمیتواند خیال خود را بری بکند از آن شکست عظیم که بر لشکر هند وارد خواهد آمد در آنروزیکه در قلب آسیا لشکر هند با سربازها بر سر روس بمقام مقابله برآید یکی از علمای مشهور که مدتها در هند مشغول تفحص اسباب حفظ این ممالک بوده و در باب لشکرکشی خارجی تفصیل معروف نوشته میگوید آنروزیکه یکی از دول خارجه ساحل رود اترك يك لشکری حاضر کند که مساوی آن لشکر باشد که دولت انگلیس در همان محل حاضر کرده باشد عمر دولت انگلیس تمام است.

مملکت هند یکمرصه وسیع است که خرابیهای دول زیاد و طبقات ملل بی‌حصر روی هم ریخته‌اند يك حرکت جزئی و یکضرب واحد کافی خواهد بود که این طبقات مختلفه را زیر و زبر نماید و در میان این مجموعه غریب ترکیبات غیر مترقبه بیرون بیاورد يك آدم قابل و يك اتفاق جزئی میتواند که خواهند عساکر متعدده برای مخالفت هند بیرون بیاید تدابیر انگلیس تا بحال ظمهور این واقعه را رفع داشته است اما آنروزیکه در سرحدات افغانستان برای دولت انگلیس يك مدعی کافی ظمهور نماید دولت انگلیس عوض

اینکه در ممالک هند اسباب تقویت به بیند تمام هند را در زیر پای خود مشغول خواهد دید قدرت انگلیس در زیر عظمت خود منهدم خواهد ماند و بواسطه سرعت انهدام خود مدعی را در تعجب خواهد گذاشت این اعتقاد من حرف هوائی نیست ما در دست داریم مستندات کافی که بواسطه آنها میتوانیم پیش از وقت معین بکنیم که دولت انگلیس چه قدر آدم و چه درجه قدرت میتواند بمقابل دشمن بیاورد .

مصنف مشارالیه جمیع دقایق قدرت عسکریه دولت انگلیس را میشکافد و بواسطه شواهد زیاد و تحقیقات مفصل که ذکر آنها از گنجایش این کتابچه خارج است مبرهن میسازد که دولت انگلیس در هیچ مقام نمی تواند بیش از شصت و یک هزار نفر آدم که پانزده هزارش انگلیس باشد بر سرحدات غربی جمع نماید مصنف مزبور با وصف این تحقیقات خود باز در آخر میگوید اما اجتماع اینقدر عسکر را هم از برای دولت انگلیس غیر ممکن می بینم و در صورتیکه هم این منتهای تخمین را قبول بکنم باز محققاً میتوان حکم کرده هروقت هفتاد هزار سرباز فرنگی از دره خیبر سر در بیاورند کافی خواهد بود که بساط انگلیس را در یکسر هند تا سر دیگر برچینند بی آنکه در مقابل خود از جانب هیچ مدعی اسباب معطلی نپسند .

و نیز هم میگوید ناپلئون هم بجهت سفر هند از شصت هزار آدم بیشتر لازم نشمرده بود و حال اینکه آنوقت سفر مزبور موانع کلی داشت و بخصوص حالت افغانستان مانع مهیب بود از نقشه این بمهیچوجه معرفی نداشتند و طوایف افغان حکماً اسباب صدمات کلیه میشد ولکن امروز یا فردا یا بعد از چند سال دیگر تمام ملک افغان بیک آواز انتقام مثل نفس واحد برخواید خواست خواه این آواز انتقام از جانب ایران باشد و خواه از جانب روس و

دیگر اینکه آن وقت دولت انگلیس در هند هوا خواه متعدد داشت و بعضی رؤسا را میتوانست اسباب دفاع خود بسازد اما حال دولت انگلیس بکلی تنها و عرصه مدافعه او بردریای کین طوایف است . مصنف مشارالیه در باب طرح حرکات نظامی سردار روس در سمت هند و در خصوص سایر نکات این سفر شروح مفصل نوشته است که من بملاحظه اختصار کتابچه ترجمه نمیکنیم مثلاً میگوید . سردار روس در باب آذوقه نباید اصلاً تشویش داشته باشد چیزیکه لازم دارد اینست که کیسه او از باجاغلو همیشه پر باشد آذوقه لشکر از اینقرار جمع خواهد شد .

### در این باب تفصیل زیاد نوشته است

عبور رود اтак بفلان دلیل هیچ اشکالی ندارد باید بفلان طور گذشت سلطان محمود غزنوی هفت دفعه با لشکرهای متعدد از همین راه گذشت امیر تیمور، بابر شاه، همایون شاه، نادر شاه و سردارهای انگلیس در اوقات جنگ افغان بفلان طور و تفصیل از همین راه عبور کردند بنا بر این سر مشقهای گذشته لازم باید اقرار بکنیم و موانع ارضی پیشرفت عساکر دشمن را در این راهها هرگز مانع نخواهد شد چیزیکه میتواند هند را حفظ بکند يك لشکر خوب است و بس لشکر انگلیس در مقابل لشکر فرنگی همینکه یکدفعه مغلوب شد تمام قدرت انگلیس منهدم است زیرا که لشکر خارجی پس از شکست انگلیس يك سیلی خواهد شد که جمیع سیلنهای اطراف را بخود ملحق خواهد کرد و تمام هند را فرو خواهد گرفت راه لشکر روس از این قرار است رفتار سردار روس از این قرار باید باشد .

در باب لشکرکشی خارجه بسمت هند طرحهای متعدد و نوشتجات

مفصل در میان هست من در اینجا فقط با اشاره این اقوال مختصر اکتفا مینمایم دولت روس بجهت لشکرکشی هند دو راه دارد یکی در ترکستان و یکی دیگر از ایران اگر چه تا امروز دولت روس از هر دو این راه بالمساوی پیش رفته است اما آشکار است که طرح اصلی را براه ایران قرار داده است در این باب هم شرح زیاد نوشته‌اند من فقط بعضی مضامینی که تعلق بحالت ایران دارد ذکر میکنم .

دولت ایران امروز در دست دولت روس است دولت روس هروقت بخواهد میتواند حفظحالت ایران را ضمانت بکند و بعضی ممالکی که در ایران گرفته است پس بدهد و بعضی ممالک دیگر نیز وعده بکند و بواسطه يك موافقت باطنی دولت ایران را بر این دارد که باکمال میل و صداقت مقوی قصد روس باشد دولت ایران بعد از سلطنت نادر شاه بيك حالت ضعفی افتاد که گویا نتواند دیگر از این حالت ذلت بیرون بیاید ولیکن با این همه ضعف عارض میتواند بواسطه وضع طبیعی خود در مسئله شرقی يك مدعی بزرگ واقع شود .

اگر چه ایران و ممالک عثمانی هنوز اسم قدیمی خود را دارند اما درحقیقت جزو بلوکات روس هستند در تغییر امور جهان دولت ایران قیمت عظیمی دارد ولیکن این عظم ایران حاصل حالت طبیعی آن است و هیچ دخلی بقدرت دولتی ندارد در آن ترازوئی که يك روز می باید سرنوشت انگلیس و روس کشیده شود دولت ایران میتواند وزن عظیمی به میان بیندازد هیچ شکی نیست که هرگاه از جانب روس به دولت ایران تکلیف سفر هند شود کل اهالی ایران با کمال میل همراهی خواهند کرد غنایم هند و یادگار نادرشاه و خیال ضعف انگلیس در هند اسباب تحریک ایرانیها خواهد شد .



در خاک ایران مایه و اسباب قدرت مهیا است ولی دولت ملك اینقدر شعور و قدرت ندارد که از مایه و اسباب ممالک خود لازمه فواید و منافع را حاصل نماید اما هرگاه این دولت بتصرف روس بیفتد یا بادولت روس موافقت حقیقی داشته باشد دولت روس میتواند از این ایران شصت الی هفتاد هزار سرباز بگیرد که در تحت صاحب منصبان روس لشکر بسیار ممتاز بشوند علاوه بر این هفتاد هزار لشکر منظم دولت ایران میتواند دو مقابل این عدد لشکر غیر منظم بدهد بقای پادشاه ایران بسته به سنگینی حرکت روس است و هیچ دخلی به قدرت پادشاه مشارالیه ندارد .

از برای لشکرکشی روس به سمت هند اشکال عمده بعدمسافات است رفع این اشکال به دو طور می‌شود یا این است که دولت ایران باید بادولت روس اتحاد و موافقت کامل داشته باشد یا باید دولت روس دولت ایران را بکلی تصرف کند این مضمون آخری کلید پولطیک ایران است: پولطیک فرانسه و عثمانی نسبت به ایران شرح زیاد لازم دارد در اینجا همین قدر عرض می‌کنم که مصلحت فرانسه مقتضی حفظ و استحکام دولت ایران است اما ما نباید در همدستی فرانسه بقدر ذره امید و توقعی داشته باشیم دولت فرانسه با این اوضاع ایران بجهت حفظ این دولت از دادن یک پول مضایقه خواهد کرد ولی هیچ شکی نیست که میتوان در ایران بانهایت سهولت چنان اسبابی فراهم آورد که دولت فرانسه باکمال رغبت صد هزار نفر سرباز بجهت حفظ ایران بکشتن بدهد این مضمون تازه شرح مفصلی لازم دارد که انشاء الله در وقت دیگر عرض خواهد شد. پولطیک ایران هزار نوع ربط دارد که اولیای این دولت ایران هیچ ملتفت نشده‌اند در این باب تفصیل نیز باید عرض کرد .

وقتی که عظمت این طرحهای دول خارجه را ملاحظه می‌کند تعجب مینماید که وزراء سابق ایران چگونه توانسته‌اند از این خیالات

عالم‌گیر غافل بماند گذشته از این از پولطیک دول اطراف اطلاعات صحیح نداشته‌اند اغلب اوقات عقاید شخصی ایران مخالف حقیقت اوضاع خارجه بوده باین جهت میتوان گفت که تا بحال پولطیک ایران به جز عقاید باطل و احتمالات غیرصائب مبنای دیگر نداشته است چنانکه وقتی اعمال گذشته این دولت را با خیال دول اطراف تطبیق میکنم می بینم کلا یا خبط بوده و یا حرکات بی معنی نکته‌ائی که بیشتر از همه مایه خبط اولیاء این دولت بوده است این است که معنی پولطیک‌های بزرگ را نفهمیده‌اند و خیال میکنند پولطیک‌های ملی را که دو یست سالیک قرار پیش رفته‌اند میتوان بتدابیر ایرانی از نصف راه برگردانیم مثلا میگویند هرگاه در فلان کاغذ فلان لفظ را بنویسیم یا در فلان مجلس با فلان سفیر گرم بگیریم کار درست خواهد شد گاهی در مسائل دولتی چنان تدبیرها بکار میبرند و دل خود را به چنان جزئیات خوش میکنند که آدم از مراتب اطلاع و کفایت ایشان در حیرت می‌ماند دولت روس زیاد مقتدر شده است پس باید راه آذربایجان را نساخت انگلیسها میخواهند سیستان را جزو افغانستان بکنند پس باید با سردارها خوب گرم گرفت روس میخواهد مازندران را مسخر کند ما هم اول اذن نخواهیم داد که کشتی روس داخل مرداب انزلی بشود اقتدار دول خارجه روز بروز زیادتر میشود اما غلط میکنند ما هم سفرای ایشان را به تعزیه راه نخواهیم داد دولت روس در استرآباد خیالات دارد اما قنسول ما در حاجی ترخان بسیار باعرضه حرکت میکنند پولطیک انگلیس تصرف جنوب ایران را لازم دارد اما هرگاه به فلان صاحب منصب خود التفاتی بکنیم انگلیسها پولطیک خود را حکماً تغییر خواهند داد وزراء ما به این نوع تدابیر میخواهند دولت حفظ بکنند ولیکن باید مسلم بدانند که اگر ده وزیر محض خاطر سفارت انگلیس عزل بکنند و

اگر روزی بیست دفعه دست و پای غراف صاحب را ببوسند و اگر به سفرای خارجه به حدی تنگ بگیرند که در منازل خود محبوس باشند و اگر مامورین ما از شدت عرضه گفتگوی دولتی را فحش بگویند و اگر افواج مادر علم نظر جیش مثل فرنگی‌ها ماهر شوند باز لشکر روس بطور دلخواه خود در خاک ایران خواهند گذشت و باز پولطیک انگلیس در صدد این حواله بود که دولت ایران را مثل دول هند مسخر دوستی خود بسازد اسباب پولطیک ملل و لوازم حفظ يك دولت در اداء این مزخرفاتی است که تا امروز اولیای این دولت را ضایع کرده‌اند.

از غرایب خیالات اولیای این دولت یکی هم این است که متصل میگویند فلان دولت حق ندارد دولت ایران حق دارد ای مرد عزیز ای طفل پنجاه ساله حق یعنی چه انصاف چه چیز است پولطیک دول چه دخلی به حق دارد مگر دولت انگلیس دو پست مملکت هند را به حق گرفته است مگر گرجستان حق موروث روس بود حق دول در اقتضای پولطیک و در دهنه توپ است هنگام لشکر کشی شاه مرحوم به هرات دونفر از سفرای معتبر انگلیس در نوشتجات رسمی خود اعتراف کرده‌اند که دولت ایران در جنگ هرات محق است خود مکنیل پس از بیان تقصیرات هراتی در کاغذ دولتی می‌نویسد به اعتقاد من جای شك نیست که شاه جنگ هرات را موافق حق می‌خواهد و اگر چه هرگاه دولت ایران هرات را بگیرد يك بلائی بزرگ خواهد بود اما ما نباید تعجب بکنیم از اینکه شاه بدون ملاحظه اظهارات ما موافق حقی که دارد به دشمن خود بجنگد سفیری که بایک دولتی منازعه داشته باشد ممکن نیست که در نوشتجات دولتی حق مدعی خود را بهتر از این تصدیق بکند با وصف این انگلیسها راه مردم را مجبور که از هرات برگردد در حین جنگ انگلیسها در افغانستان امیران سند به قدری که توانستند با انگلیسها موافقت

و امداد کردند پس از شکست انگلیس در افغانستان و وزراء لندن مصلحت را در این دیدند که در نظر اهل هند شکست افغان را بیک فتح نمایان تلافی کنند اسباب تلافی را هیچ به آسانی فتح سند ندیدند بنابراین بدون هیچ دلیل بدون هیچ بهانه در حالتی که کمال رضامندی و امتنان را از امیران سند داشتند کل ممالک ایشان را بلا تامل تصرف نمودند .

یکی از سفرای انگلیس که دلیل این امر بود که از جمله پولطیک انگلیس محسوب می شود میگوید من گفته ام و همیشه هم خواهم گفت در هر جا و در هر موقع و پیش هر کس که تصرف سندیکی از کارهای شنیع و قبیح است که تاریخ ملت ما را در هند ملوث کرده است هیچ دلیلی و هیچ بیانی نمیتواند لکه ای که از این حرکت بر غیرت و درست قولی ما ظاهر شده است رفع نماید و چون هیچ ذی حیاتی بهتر از من اطلاع ندارد و از آن تدابیری که بجهت غصب این ملک بکار برده اند لهذا حق دارم که اعتقاد خود را در این باب بیان بکنم .

خلاصه مطالب معروضه این است دولت انگلیس یا باید تمام بشود یا باید هند را حفظ نماید دولت روس یا باید هند را بگیرد یا باید تمام بشود این دو دولت بجهت اجرای مقصود خود نه از استعمال زور نه از نقض عهد نه از ظلم بین نه از اتلاف طوایف نه از انهدام دول و نه از هیچ نوع تدبیر لازم گریزان نخواهند بود . دولت انگلیس یا باید دولت ایران را پیشرو لشکر روس بداند یا باید دولت ایران را مثل دول هند دوست مخصوص خود بداند و قرار بدهد دولت روس یا باید ایران را پیش جنگ سفر هند قرار بدهد یا باید دولت ایران را قبل از سفر هند منهدم بسازد .

دوستی روس عداوت انگلیس را لازم دارد بجهت تحصیل دوستی انگلیس عداوت روس را باید مهیا شد حال تکلیف دولت ایران چیست تعیین این تکلیف موقوف به حل مسائل ذیل است . استیلا

روس در سمت هند صلاح ایران هست یا نیست خود دولت ایران طالب گرفتن هند باشد یا نباشد نتایج عداوت دولتین نسبت به ایران چه خواهد بود جواب این مسائل از آفتاب روشن تر است استیلائی روس در ممالک هند لامحاله منجر به انهدام دولت ایران خواهد شد استقرار دولت انگلیس در هند بلاشک صلاح دولت ایران است هرگاه انگلیسها تمام هند را تسلیم دولت ایران بکنند قبول آن از جانب ایران بلاشک خبط مهلك خواهد بود در باب عداوت دولتین نسبت به ایران بیان مختصری لازم داریم از جانب روس و انگلیس نسبت به ایران هم احتمال ضرر می‌رود وهم احتمال فایده هرگاه ایران دولت مقتدر بود بنیان پولطیک ما نسبت به دولتین می‌بایستی بر مراتب دوستی ایشان باشد اما حال به اقتضای ضعف دولت ایران لابد هستیم که پولطیک خود را بر مراتب خصومت ایشان قرار بدهیم. در خصومت هر یک از ایشان نسبت با ایران دو حالت متصور است یا دولت ایران تنها است یا بدولت دیگر موافقت دارد هرگاه دولت ایران تنها است تنها ضرر خصومت انگلیس غصب بنادر قارس است و هرگاه دولت ایران با روس موافقت دارد تنها ضرر خصومت انگلیس هیچ است از طرف دیگر هرگاه دولت ایران تنها است نیمه خصومت روس انهدام فوری است دور نیست بعضی از وزرای ایران منکر این حقیقت باشند خود انگلیسها را در این باب مصدق قرار میدهم از پالمستون تا بطاسون کوچک از هر انگلیسی پرسید فی الفور اقرار خواهد کرد که اعانت انگلیس در هیچ صورت نمیتواند دولت ایران را از چنگ روس خلاص کند این مطلب بحدی آشکار است که نمی‌توان تصور کرد که برای کسی محل تشکیک باشد.

فرض میکنم که دولت انگلیس به دولت ایران صد کرویر پول بدهد و صد هزار نفر سرباز اولاً این فرض محال است ثانیاً دولت روس عوض صد کرویر تومان و صد هزار سرباز انگلیس چهار صد

کرور تومان وهفتصد هزار سرباز بسرحدات ایران خواهد آورد اما فرق اقتدار روس و ایران بحدی آشکار است که تحقیق این مطلب مثل تحقیق بدیهیات جزو سفاهت میدانم .

يك وزیر انگلیس میگوید دولت ایران بواسطه همجواری روس نمیتواند با دولت انگلیس موافقت باطنی داشته باشد بنابراین پولطیک، نباید دولت ایران را سنگر محافظت هند بداند ایران لامحاله اول صف آن اردو خواهد بود که باید برهند حمله نماید .

انگلیسها باکمال تاسف میدانند که اقتدار روس موافقت ایران را با انگلیس محال ساخته است هرگاه این موافقت را تحمل میتوانستند هرطور بود تابعال حاصل کرده بودند اشکال عمده پولطیک انگلیس نسبت بایران همین نکته است هرگاه دولت ایران را تنها بگذارد بحکم وجوب اسباب روس خواهد شد هرگاه بخواهد دولت ایران را تصاحب نماید دولت روس بیک ضرب واحد خیال انگلیس را باطل خواهد کرد بقای دولت ایران بسته به آن اطمینانی است که دولت روس از اقتدار خود نسبت بایران دارد دولت روس هر وقت بخواهد در نهایت سهولت دولت ایران را اسباب پولطیک خود خواهد ساخت هر قدر این سهولت در نظر دولت روس کمتر بشود خطر دولت ایران زیادتر خواهد شد اولیای دولت انگلیس بر این حالت ایران کاملاً واقف هستند و در باطن بهتر از همه کس میدانند که توسل با اسباب خارجه حاصلی نخواهد داشت مگر تعجیل قصد روس بعضی از وزراء ما ازین نکته بزرگ غافل مانده اند و من در این اوقات از برای دولت ایران بزرگتر از این خطری نمی بینم و مخالفت ایران نسبت بروس دو تکلیف جبری خواهد آورد یا این است که باید دولت روس جمع آرزوها و امیدها و کوششهای دو یست ساله خود را باطل نماید و از راهی که آمده برگردد یا این است که باید به جهت پیشرفت مقصود خود اول دولت ایران را خراب نماید برگشتن

روس بنظر محال می آید پس دولت چه کند هرگاه باروس موافقت نماید خودرا پیش ازوقت تسلیم روس کرده است هرگاه باانگلیس موافقت کند فارس را بدون هیچ فایده بانگلیس داده و بدتر از همه دولت روس را برخرابی ایران مجبور ساخته است خلاصه اوضاع هر سمت را که ملاحظه کنم اسباب انهدام خودرا فراهم خواهیم دید براست برگردیم دشمن قاهر بچپ برگردیم انهدام فوری تملق بکنیم بی حاصل تشخص بفروسیم بی ثمر ایستادگی بکنیم تمام تسلیم بشویم تمامتر هیچ دولتی در روی زمین مثل دولت ایران در خطر نیست باوصف این اولیای دولت ایران بنوعی آسوده نشستند و در امورات اموال چنان یاتفتن حرکت میکنند که هرکس ازخارج حالت ایشان را ملاحظه بکند خیال خواهد کرد که ایشان مهمانهای معزز هستند که بعروسی دولتی دعوت شده اند مورخین ایران میگویند تعجب و گریه خواهند کرد که وزرای این ملک در میان خطرهای بزرگ و در حالت نزع ملت ایران تنظیم دولت را در تغییر ترکیب حیا درشروع میکردند و تکمیل وزارت راموقوف بتقلید آیام بربری میدانستند هزار حیف و صد هزار افسوس که هر قدر بکوبم نخواهم توانست اولیای دولت ما را بر عظمت خطر ایران ملتفت بسازم هرگاه آنچه من میدانم ایشان هم میدانستند آنوقت معاینه میدیدند که دولت ایران مثل يك گندمی است که میان دو سنگ آسیا افتاده باشد بلی الان سنگهای مزبور حرکت ندارند اما هرگاه ازخارج آسیا را ملاحظه بکنیم وحشت خواهیم کرد که گردش سنگها موقوف نکند تاریخ بود ودقیقه گردش چه قدر نزدیک شده است پس آخر پولطیک ایران چه باشد من در اول کتابچه همینقدر وعده کرده بودم که درعالم پولطیک نقشه اطراف ایران را مختصر تصویر نمایم اگر چه وعده خودرا میدانستم بطور منظور بعمل بیاورم اما از همین طرح ناقص نیز میتوان فهمید که کشتی دولت ایران بکجا رسیده و

در اطراف خود چه نوع خطرها دارد حال تعیین مقصد کشتی و اختیار راه نجات کشتی با خود ناخدایان کشتی است هرگاه بنده از عقلای معتبر این دولت بودم یعنی اگر با پنجاه نفر نوکر گرسنه راه میرفتم و اگر چند رأس یا بوی کثیف در پیش روی من یدک میکشیدند و اگر سالی بیست هزار تومان پول دولت را میخوردم و اگر در جمیع علوم که لازمه تربیت است بکلی عاری بودم و اگر اجداد من با چند دزد دیگر ولایات ایران را نوبت بنوبت با اسم حکومت غارت کرده بودند و اگر از هنرهای بسیار مشکل تشخیص آراسته بودم و اگر عمرات مردم فریبی را سند علو خیالات خود قرار داده بودم آن وقت باطمینان این نوع اعتبارات عرض می کردم دولت ایران دو قسم پولطیک دارد یکی کوچک ضعیف مختصر موقتی بی مال و بی معنی و یکی دیگر بزرگ عالی ملی باشان با معنی و قابل هر نوع ترقی پولطیک کوچک این است دولت ایران بدون تامل و بدون تخلف با دولت روس موافقت نماید و کمال اهتمام را داشته باشد که بهیچوجه بهانه بدست روس ندهد و بقای خود را بانسانیت و ترحم آن دولت بگذارد پولطیک بزرگ را بروز نمیدهم زیرا که بجهت یافتن این پولطیک سالها زحمت کشیده ام و با اعتقاد خودم طرح نجات ایران را پیدا کرده ام و بی چون یقین دارم که بواسطه عدم اعتبارات مذکوره طرح من محل اعتباری که این نخواهد شد باین جهت منتظر خواهم بود تا انشاء الله اعتبارات مشخص طرح شده در نظر اولیای دولت قابلیت ظهور بهم رساند ولی میترسم پولطیک دول بخصوص کفایت بعضی از وزرای ما مرا مهلت ندهند و آخر الامر مجبور شویم که طرح خود را در آرزوی اعتبارات مذکوره دفن کنم در یوم دوشنبه ئیلان ئیل در طهران ثبت کردند مطابق ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۹۸